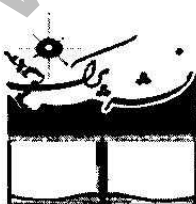


۲۹۲۴۰۴

**بررسی جامعه شناختی جایگاه
زنان در ادبیات دوره قاجار**

محمد مبینی شورستانی



فهرست مندرجات

مقدمه	۹
جامعه قاجار و نگاه به زن	۱۷
ابعاد سیاسی اجتماعی عصر قاجار	۱۸
اوضاع سیاسی عصر قاجار	۱۸
تلاش برای ساماندهی	۱۹
پادشاهان قاجار	۲۰
اوضاع اجتماعی و عمومی عصر قاجار	۲۳
سیمای زن در فرهنگ ایران تا قاجار - عصر قاجاریه	۲۶
نقش زنان در تحولات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی در عصر قاجار	۳۱
حضور و نقش اجتماعی - سیاسی زنان	۳۲
فعالیت سیاسی - اجتماعی زنان در جنبش مشروطیت	۴۰
شکل گیری تشکلهای و انجمنها	۴۲
شکل گیری مدارس دخترانه ی جدید	۴۷
ایجاد روزنامه ها	۵۰
شرکت در سخنرانی ها، میتینگ ها و راهپیمایی ها	۵۳
خواست های سیاسی و اجتماعی زنان (آزادی، قانون، آموزش و...)	۵۵

۵۹	حمایت‌های زنان از مشروطه
۶۱	حمایت‌های سیاسی و نظامی
۶۳	حمایت‌های مالی زنان از مشروطه
۶۴	حمایت‌های اجتماعی زنان از جنبش مشروطه
۶۶	جزیره اقتصادی زنان
۷۱	حمای فرهنگی و ادبی زنان (فعالیت‌های ادبی و هنری)
۷۵	زنان مشروطه عصر قاجار از ابتدا تا انتها
۷۶	نقش سیاسی زنان در عصر قاجار
۷۶	قرة العین
۷۸	حسن جهان‌خانم
۷۹	گلبدن‌باجی (خازن الدوله)
۷۹	مهدعلیا
۸۳	نقش اجتماعی و فرهنگی زنان در عصر قاجار
۸۳	فاطمه سلطان خانم
۸۵	شاهزاده زبیده خانم
۸۵	طاوس خانم (تاج الدوله)
۸۶	بی بی خانم استرآبادی
۸۸	بی بی خانم وزیراف

۸۹.....	ژاله.....
۹۰.....	نیمتاج سلماسی.....
۹۰.....	درة المعالی.....
۹۱.....	دخالت‌های زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی عصر قاجار.....
۹۶.....	زنان و سیاست.....
۱۰۰.....	ببینگاه تعلیم و تربیت زنان در عصر قاجار.....
۱۰۹.....	تصویر زنان در روزنامه‌ها و مجلات دوره‌ی قاجار.....
۱۱۳.....	حجاب زنان در عصر قاجار.....
۱۱۳.....	نگاه مثبت به حجاب.....
۱۱۸.....	نگاه منفی به حجاب.....
۱۲۰.....	واکنش به بی‌حجابی و آزادی زنان.....
۱۲۴.....	شخصیت و جایگاه مادر در ادبیات عصر قاجار.....
۱۳۰.....	ازدواج در دوره‌ی قاجار.....
۱۳۰.....	فرهنگ ازدواج در عصر قاجار.....
۱۳۴.....	دلاله‌ها.....
۱۳۶.....	منسوخ شدن چند همسری.....
۱۳۸.....	ازدواج سیاسی.....
۱۴۱.....	بازتاب امر ازدواج در ادبیات دوره‌ی قاجار.....

- جایگاه زنان در فرهنگ و ادبیات دوره‌ی قاجار ۱۴۵
- جایگاه زنان در آثار ادبی نظم و نثر ۱۴۵
- توهین‌های زشت به زنان ۱۴۸
- ضعف (ضعیف شمردن جنس زن) ۱۵۰
- بوی دگگی و عدم قدرت تصمیم‌گیری ۱۵۳
- توبه بودن ۱۵۵
- فریفته بودن بر حر و جادو و خرافات ۱۵۵
- تحقیر پیرزنان ۱۵۷
- تحقیر زن به خاطر حجب ۱۵۸
- سهم زنان در عقب‌ماندگی خود در عرصه‌ی اجتماع و ادبیات عصر قاجار ۱۶۲
- خرافه‌پرستی ۱۶۳
- نگاه زنان به وضعیت خود و پذیرش آن نگاه ۱۶۴
- سیمای زنان عصر قاجار در سفرنامه‌ها ۱۶۵
- مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان از نگاه سفرنامه نویسان فرهنگی ۱۶۸
- وفاداری ۱۶۹
- تعلیم و تربیت ۱۷۲
- اخلاق و رفتار زنان ایرانی ۱۷۳

حاکمیت سیاسی قاجاریه در تاریخ ایران، آغاز دوران جدیدی بود که با ویژگی‌های خاص خود از سایر ادوار سیاسی متمایز است. در این دوره بسیاری از مسائل جامعه به تبعیت از حرکت و تغییر جامعه دچار دگرگونی می‌شوند.

وضعیت زنان نیز در این دوران با تأثیرپذیری از وضعیت حاکم بر جامعه تغییر می‌شود. در این شرایط سیاسی، اجتماعی، زندگی زنان تا حدود زیادی محدود شده بود. با وجود این، آنان در برخی فعالیت‌های اجتماعی، مانند ادارهٔ بنادر، تربیت فرزندان و در موارد معدودی نیز امور اقتصادی مانند ادارهٔ املاک و زمین‌های کشاورزی یا تولیدات صنایع دستی، شرکت می‌جستند. ضمن آن، آنان در صحنه‌ی سیاست حضوری پنهان داشتند. به این ترتیب که به عنوان مادر، خواهر یا همسران شاه، با نفوذ بر وی به‌طور غیرمستقیم و به صورت واسطه‌ای قدرت بر برخی تصمیمات شاهانه اعمال نفوذ می‌کردند. به این ترتیب، زنان در جامعه‌ی ایرانی عصر قاجار نیروی بالقوه و پنهانی بودند. که در دوره‌ی اجتماعی و فرهنگی را در سطحی محدود به دست آوردند، و این سال از چشم بسیاری از جهان‌گردان پنهان نمانده است. اما باید گفت به دلیل نبودن شرایط اجتماعی و سیاسی مناسب در نخستین سال‌های آغاز حکومت قاجار نمی‌توانستند در مسائل روزمره‌ی جامعه حضوری آشکار داشته باشند و جایگاه مناسب خود را در اجتماع بدست آورند، اما این روال به

۱۰ بررسی جامعه‌شناختی جایگاه زنان در ادبیات دوره قاجار

همین شکل، ادامه پیدا نمی‌کند و جایگاه زنان از اواسط عصر قاجاریه به بعد، دست‌خوش تغییر می‌شود.

تاریخ‌نویسان و پژوهش‌گران تاریخ، جملگی براین باورند که جایگاه زن در تاریخ معاصر ایران از اواخر دوران قاجار و به دنبال نضج گرفتن نهضت مشروطه‌خواهی ایرانیان تحول یافته است. می‌توان از ورای کتب، مقالات و رسالات باقی‌مانده از دوران قاجار و پس از آن، جایگاه زنان در اجتماع آن روز ایران و تغییرات حاصل از تعامل ایرانیان با دنیای متجدد آن روز را در جایگاه آنان بیان کرد. از آن‌جا که کتب ادبی اعم از نظم و نثر از جایگاه مهمی در آن دوره داشته، بررسی این منابع جهت تحول جایگاه اجتماعی زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در دوره قاجار، همزمان با تحولات اجتماعی و فرهنگی و ورود مضامین جدید در ادبیات و گرایش ادبیات به سمت واقع‌گرایی، موضوعات تازه، از جمله موضوع زنان نیز در آن بازتاب یافت و با ایجاد شاخه‌های جدید و تنوع و گسترش مضامین در آثار ادبی، بار تحولات اجتماعی بیشتر بر دوش کشید.

بررسی جایگاه زن در ادبیات دوره قاجار در شناسایی حلقه‌ای مفقوده‌ی میان ادبیات سنتی و ادبیات عصر جدید در انعکاس جایگاه زن در ادبیات و جامعه حائز اهمیت است، زیرا از سال‌های ۱۳۰۰ شمسی به بعد شاهد حضور زن، چه به عنوان موضوع اثر و چه به عنوان نویسنده در ادبیات داستانی هستیم (عاملی‌رضایی، ۱۳۸۹: ۹-۱۰). شناخت چالش‌ها و موانع پیش‌روی زنان و چگونگی مقابله با این چالش‌ها که برای نخستین بار،

جریانی جدید را در ادبیات این دوره به وجود آورده بود، برای درک جایگاه اجتماعی زنان ضروری است. در ادبیات دوره قاجار، مسائل مختلف زنان انعکاس یافته است؛ از جمله این مسائل تحول جایگاه و نقش اجتماعی زنان می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت مسأله زنان و حضور آنان در ادبیات آن دوره موضوعی تازه و جدید بوده است، این امر، با توجه به مباحث عرفی و مذهبی و تربیت سنتی خانواده‌ها، سبب شد که موضوع زنان به موضوعی حساس تبدیل شود؛ به‌طوری که هراس از بی‌حجابی زنان ایرانی هم‌چون زنان فرنگی، آغاز نسخ اسلام و رواج بی‌بندباری دانسته شد و استبداد پادشاهان و پهلایان عصر مفهوم آزادی در غرب را با مفهوم بی‌بندباری و از میان رفتن عفت و عصمت زنان پیوند زدند. از جمله مسائل مربوط به حجاب، آزادی زنان، حضور آنان در سیاست و... را می‌توان در آثار منظوم و مثنوی این دوره مشاهده کرد؛ در واقع می‌توان گفت در دوره قاجار زنان فعالیت فرهنگی و سیاسی خود را آغاز کردند؛ از دست‌آوردهای این فعالیت‌ها می‌توان به سخنرانی‌ها در منازل یا مدارس دخترانه اشاره کرد (عاملی‌رضایی، ۱۳۸۹: ۱۸۹)؛ هم‌چنین زنان در دوره قاجار در مسائل سیاسی و اقتصادی دخالت کرده و گاه به عملکرد دولت اعتراض می‌کردند؛ این‌ها تنها گوشه‌ای از فعالیت بی‌سابقه زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی عصر قاجار است.

بدیهی است که بخش قابل توجهی از جمعیت هر کشور را زنان تشکیل می‌دهند. اگر استعداد و توان بالقوه‌ی زنان به بالفعل بدل گردد و در زمینه‌های متفاوت و متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی...

۱۲ بررسی جامعه شناختی جایگاه زنان در ادبیات دوره قاجار

آموزشی به کار گرفته شود، می‌توانند نقشی سازنده و فعال در پیشرفت و توسعه صحیح و منطقی هر کشور ایفا کنند.

امروزه مشاهده می‌شود بسیاری از زنان ایرانی به دلیل بهره‌گیری و استفاده از منابع و امکانات موجود در جامعه و هموار شدن برخی زمینه‌های آرزشی و علمی، درخشش قابل توجهی از خود به نمایش گذاشته‌اند. بابراین، توان و استعداد درونی زنان در نتیجه کار و تلاش مداوم و مستمر، توزیع امکانات مساوی در جامعه و رفع نگرش سطحی و مردسالارانه می‌تواند از بالوه به بالفعل تبدیل گردد. تجربه و گذر تاریخ، این موضوع را کاملاً ثابت کرده و بر همگان آشکار نموده است.

لذا توجه به شخصیت جایگاه زن در ادبیات این دوره (قاجار) که به نوعی ایران با جوامع غربی ارتباط می‌یابد، در خور توجه و موشکافی است. در دوران قاجار، با توجه به اعتقادات مذهبی و برقراری ارتباط با دیگر کشورها، نسبت به دوران قبل دگرگونی‌هایی پدید آمد و زنان بیشتر در امور اجتماعی شرکت کردند، به عنوان نمونه، فخرالملوک - دختر ناصرالدین‌شاه - مدتی در قم دست اندر کار رتبه‌بندی امور شهر بود؛ همان دختری که پشت درهای نیمه‌باز پدرش ناصرالدین‌شاه می‌نشست و با اشتیاق فراوان به داستان‌های تخیلی نقیب‌الممالک گرس را می‌داد و داستان‌ها را به تصویر می‌کشید و اگر هنرمندی این زن در مکتوب نمودن این داستان‌های زیبای تخیلی نبود؛ اثر شگفت‌انگیز امیرارسلان‌نامدار به وجود نمی‌آمد و مانند بسیاری از آثار فرهنگ شفاهی فارسی به فراموشی سپرده می‌شد. فخرالملوک، نمونه‌ی یک زن فعال در دوره‌ی قاجار است؛ و

به اندازه‌ی نقال‌باشی در شکل‌گیری این «آخرین رمان سنتی و طلّیعی رمان نو فارسی» نقش دارد. حضور یک زن در جایگاه داستان‌نویس نشان از عمق تغییر و تحولات جامعه‌ی ایرانی در دوره‌ی قاجار دارد. عصر قاجار، نسبت به دوران گذشته، در بسیاری از زمینه‌ها دچار تحول و دگرگونی گردید؛ که یکی از آن‌ها نقش آفرینی زنان در عرصه‌ی ادبیات است؛ چرا که ادبیات آینده‌ی تمام‌نمای جامعه است و هر آنچه که در جامعه‌ی هر دوره‌ای رخ می‌دهد را می‌توان در آثار و اندیشه‌ی شاعران و نثرنویسان آن دوره پیدا نمود. رانجا که زن به عنوان شریک زندگی مرد در واقع، نیمی از مسائل و به تبع آن نیمی از عمر یک دوره‌ی تاریخی را به خود اختصاص می‌دهد و تمام احساسات و دوران گذشته بدون وجود مادران بزرگ، فرزندان قابل تربیت، نشانده‌ی نگارنده بر آن شد تا نقش و جایگاه زن را در ادبیات دوره‌ی قاجار، بررسی نماید.

در کتاب حاضر مؤلف در پی آن است تا با بررسی آثار منظوم و منثور این دوره، به مطالعه‌ی جایگاه و نقش زنان در «ایشه‌ی شاعران و نویسندگان این دوره از تاریخ (قاجار) کشورمان بپردازد؛ تاکنون مطالعات و تحقیقات چندی راجع به این موضوع انجام شده است که به چند مورد به طور خلاصه اشاره می‌شود. به طور کلی، درباره‌ی شخصیت رانجا زن در ادبیات می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره نمود:

۱. تاریخ خانم‌ها. بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار، که توسط خانم بنفشه حجازی نوشته شده است. این مجلد به بررسی جایگاه زنان عصر قاجار تا زمان پهلوی اول می‌پردازد. حجازی معتقد است که عصر

۱۴. بررسی جامعه‌شناختی جایگاه زنان در ادبیات دوره قاجار

قاجار، دوره مهمی در تاریخ ایران است؛ دوره‌ای که پس از عصر صفوی مجدداً یک حکومت مرکزی پایدار بنیان نهاده شد (حجازی، ۱۳۸۸: ۱۶). در این دوره همزمان با تحولات جهانی شخصیت و جایگاه زن نیز در ایران به نسبت دوره‌های پیشین دچار تحول شد.

۲. سفر دانه به گل، سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار که توسط تریم عاملی رضایی پدید آمده است. عاملی رضایی معتقد است، با توجه به حرکت اجتماع به سمت مطالبات جدید و با فراهم شدن زمینه‌ی حضور زنان در ادبیات و اجتماع در دوره‌ی پیش، دوره مشروطه را در ادامه دوره ناسری، دوره شکوفایی و حضور آشکار زن در ادبیات چه به عنوان مضمون و چه به عنوان خالق اثر می‌توان نامید (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۲۳۸).

۳. تصویر و جایگاه زن در داستان‌های عامیانه‌ی سمک عیار و داراب‌نامه، که توسط دکتر محمدحسین کریمی و سعید حسام‌پور صورت گرفته است. این پژوهش تأکید دارد که زنان در داستان‌های عامیانه، بر خلاف اشعار و آثار کلاسیک، حضوری مؤثر و سرزنده‌ی ارد و در عین این که در اندیشه‌ورزی، حکومت، پهلوانی، عیاری و عشق، حضورش تأثیرگذار است؛ در پاره‌ای از موارد، مورد توهین قرار می‌گیرد و حضورش نادیده انگاشته می‌شود.

۴. مروری بر دیدگاه‌های نظری در رابطه با مطالعه نقش و جایگاه زنان در اجتماع، که توسط دکتر فاطمه گیوه‌چیان به رشته تحریر درآمده است. در این مقاله، با بدیهی دانستن همکاری زن و مرد در زندگی روزمره، از

آغاز بشریت تاکنون، مطالعات مردم شناختی مربوط به زنان مرور می‌شود. این مطالعات به دو دسته اساسی تقسیم می‌شوند: ۱. مطالعاتی که بر آن است تا موجودیت زن را به عنوان عامل مؤثری در زندگی اجتماعی به ثبوت برساند و بگوید که «زن» هم در طول تاریخ کار می‌کرده است. ۲. مطالعاتی که زن و مرد را همانند دو رقیب فرض کرده، رابطه آن‌ها را رابطه استثماری و متناقض می‌داند. هدف مقاله تلاش در رد چنین پیشفرض‌هایی است، به دلیل اینکه اولاً مسلم است زن در جامعه‌ی بشری همیشه کار می‌کرده، و ثانیاً رابطه‌ی زن و مرد به صورت دو طبقه اجتماعی مخالف یکدیگر نیست.

۵. بررسی تأثیر جنسیت بر خطاب‌های به کار رفته در برخی داستان‌های ادبیات معاصر ایران، که توسط آلیان جهانگیر صفری و مسعود رحیمی نوشته شده است؛ این مقاله بر آن است که نقش گرایش‌های جنسیتی در انتخاب واژگان خطاب در داستان‌های ایرانی را بررسی کند. برخی از واژگان خطاب از روی ماهیت خود عمل کرد جنسیتی دارند، و ویژه‌ی زنان یا مردان می‌باشند. اما همان‌طور که بررسی شده است، گاهی‌اوقات انتخاب بعضی از صورت‌های خطاب یا خطاب‌های ارجاعی، هم به بی‌ناشی از موقعیت اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی شخصیت‌هاست و هم به هنگام داستان‌های مورد نظر می‌باشد. برای مثال، شخصیت‌های مرد، به هنگام برخورد با شخصیت‌های زن بیشتر از ضمیر «تو» و اسم کوچک استفاده می‌کنند. اما شخصیت‌های زن، مخاطب مذکر خود را با شکلی مؤدبانه‌تر و با استفاده از نام خانوادگی، همراه با عنوان یا ضمیر «شما» عنوان می‌کنند.